

فهرست بخش‌ها و کتاب‌ها

اوستانامه ۲

از آسمان تا مردمان

(بخش‌های یازدهم و دوازدهم)

هیربد سوشیانت مزدیسنا



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه

عنوان قراردادی

عطایی، امید، ۱۳۴۴ -

اوستا - فارسی - برگزیده

Avesta. Persian. Selection

اوستانامه/ هیرید سوشیانت مزدیسنا.

تهران: عطایی - ۱۴۰۰.

ج. ۲:

شماره نشر؛ ۷۵۷: استوره‌شناسی؛ ۵.

4-756-313-964-978: ج. ۲.

فیبا.

فهرست‌نویسی براساس جلد دوم.

ج. ۲. از آسمان تا مردمان (بخش‌های یازدهم و دوازدهم).

زردشت، پیامبر ایرانی.

Zoroaster:

اوستا - ترجمه‌ها.

Avesta*--Translations:

PIR۱۵۸:

۸فا۰/۱:

۸۵۰۱۹۵۴:

فیبا.

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

فروست

شابک

وضعیت فهرست‌نویسی

یادداشت

مندرجات

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

رده‌بندی کنگره

رده‌بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

اطلاعات رکورد کتابشناسی



عطای

© انتشارات عطای، شماره نشر ۷۵۷، استوره شناسی ۵، چاپ نخست، ۲۲۰ نسخه

ناظر فنی: بهروز فرد

چاپخانه: سازمان چاپ طهرانی

صحافی: کتیه

تهران- نوروز ۱۴۰۱

انتشارات عطای، تهران، سعدی شمالی، رو به روی بیمارستان امیراعلم، خیابان قائدی (هدایت)

ساختمان ۲۹۲، واحد ۹، کدپستی ۱۱۴۷۶۳۳۹۱۱

تهران ۸-۶۶۹۶۵۱۴۷-۶۶۴۱۲۷۹۰ فکس:

Email: ataipublishing@yahoo.com

www.ataipub.ir



www.fidibo.com/books/publishers

همه ی حقوق محفوظ است.

تکثیر، انتشار، بازنویسی و ترجمه ی این اثر یا بخشی از آن به هر شیوه از جمله:

کپی، الکترونیکی، ضبط و ذخیره در سیستم های بازیابی و پخش بدون دریافت مجوز

کتبی و قبلی از ناشر ممنوع است.

این اثر تحت حمایت "قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان ایران" قرار دارد.

این کتاب با حمایت بنیاد امید اخباراتی منتشر شده است

فهرست بخش‌ها و گفتارها

۷		دیباچه
۳۱		بخش یازدهم: جهان‌شناسی
۳۳		گفتار ۱: اخترشناسی
۴۵		گفتار ۲: آتش‌شناسی
۵۳		گفتار ۳: بادشناسی
۵۶		گفتار ۴: زمین‌شناسی
۵۹		گفتار ۵: کوه‌شناسی
۶۳		گفتار ۶: آب‌شناسی
۸۰		گفتار ۷: گیاه‌شناسی
۸۹		گفتار ۸: جانورشناسی
۱۰۵		گفتار ۹: بانگ‌شناسی
۱۰۷		گفتار ۱۰: هندسه و زمان‌شناسی
۱۱۰		گفتار ۱۱: هستی‌شناسی
۱۱۸		گفتار ۱۲: که‌جهان و مه‌جهان (عالم صغیر و عالم کبیر)
۱۲۲		گفتار ۱۳: گئوش-اورون (روان جانوران)
۱۲۴		گفتار ۱۴: زیبایی‌شناسی
۱۲۷		گفتار ۱۵: فره‌ها
۱۳۲		گفتار ۱۶: فرشگرد و رستاخیز
۱۳۶		گفتار ۱۷: پایان جهان از زبان جاماسپ
۱۴۳		گفتار ۱۸: جهان‌های اورمزدی و اهریمنی

۱۵۱	بخش دوازدهم: مردم‌شناسی
۱۵۳	گفتار ۱: خرد و دانش و هوش
۱۷۰	گفتار ۲: گوهر و چهر و کام و خوی و خیم
۱۷۹	گفتار ۳: کالبد مینوی
۱۹۹	گفتار ۴: درباره‌ی خواب
۲۰۴	گفتار ۵: روان در بهشت یا دوزخ
۲۲۲	گفتار ۶: اندام‌شناسی و پزشکی
۲۳۸	گفتار ۷: زن و زایمان
۲۴۲	گفتار ۸: خودکاوی و خودشناسی و خودسازی
۲۵۲	گفتار ۹: هنرهای زندگی
۲۷۶	گفتار ۱۰: آسیب‌ها و آفت‌ها
۲۸۳	گفتار ۱۱: پرسش‌های خویشتن
۲۸۷	گفتار ۱۲: مردم دانا و مینوی خرد
۲۹۶	گفتار ۱۳: خاندان و خوی - دوده (زناشویی)
۳۰۲	گفتار ۱۴: انجمن و جامعه‌شناسی
۳۱۹	گفتار ۱۵: گونه‌ها و رده‌های مردم
۳۲۶	گفتار ۱۶: کارها و پیشه‌ها
۳۳۶	گفتار ۱۷: آیین نگارش و سخنوری
۳۴۳	گفتار ۱۸: خوراک و نوشاک
۳۴۹	گفتار ۱۹: پوشاک
۳۵۳	گفتار ۲۰: بازی و سرگرمی

زرتشت، چیستا (ایزد دانش) را چنین ستود: اگر تو پیشاپیش من می‌روی، چشم به راهم بمان و اگر از پی من می‌آیی، به من پیوند. [دین‌یشت]

چیستا ایزدبانوی ایرانی است که در اوستا به معنای علم، دانش، فرزانی و معرفت آمده است. همچنین چیستا، دارنده‌ی راه‌های خوب و آموزنده و راهنمای راه‌های خوب نیز دانسته می‌شود. به همین دلیل او را ایزدبانوی دانش هم می‌دانند. او را ایزدبانوی می‌دانند که به همراه ایزد سروش، همیشه ایزد میترا را همراهی می‌کنند. چیستی به معنی اندیشیدن و دانستن نیز از این واژه گرفته شده است. نام پوروچیستا، کوچکترین دختر زرتشت نیز از همین نام ساخته شده و به معنای «بسیار دانا و پُردان» است. رخت سپید آتربانان یعنی موبدان دین مزدیسنا که از دیرباز تا امروز سفیدپوش بوده و هستند، نماد و نشانی از چیستا ایزد دانش مزدیسنا است که سفیدپوش بوده و یادآور آن می‌باشد.

* اوستا: بزرگترین دانشنامه‌ی جهان باستان

* کتاب زند و پازند که به زعم فارسیان به وحی به زرتشت نازل شده است، در پوست دوازده هزار گاو که منقش به طلا و لاجورد بود، در قلعه‌ی استخر ملیخون مایختند. [لغتنامه‌ی برهان قاطع]

* اسکندر از کتاب دین ما دوازده هزار پوست گاو بسوخت به اصطخر. سه یکی (یکسوم) از آن در دل‌ها مانده بود و آن نیز جمله قصص و احادیث، و شرایع و احکام ندانستند تا آن قصص و احادیث نیز از فساد مردم روزگار و ذهاب ملل و حرص بر بدعت و طمع فخر از یاد خلاق چنان فرو شد که از صدق آن الفی نماند. پس لابد چاره نیست که رای صایب صالح را احیای دین باشد. [نامه‌ی تنسر، هیربُد معروف عهد اردشیر بابکان به گشنسپ پادشاه طبرستان]

* هنر مغانه کجا و کی ریشه گرفت و چه کسانی نخستین بار بدان پرداختند؟

شکی نیست که این هنر در ایران و زیر نظر زرتشت ریشه گرفته است و بر این نکته همه‌ی نویسندگان به طور عمومی همراهی اند. هِرمیپوس (Hermippus)، نویسنده‌ای که درباره‌ی همه‌ی جزئیات مربوط به این هنر با دقت فراوانی نوشته است، و دو میلیون بند (در اصل «بیست بار صد هزار» در لاتین: viciens cent milia versuum) از سروده‌های زرتشت را ترجمه کرده و بر آنها تفسیر نوشته و برای کارهای فراوان او نمایه ساخته است (در لاتین: indicibus در انگلیسی:

(indexed) می‌گوید که زرتشت پنج هزار سال پیش از زمان جنگ‌های تروا (Trojan Wars) می‌زیسته است. [پلینی، مورخ رومی]

* چون اسکندر بر ایران غلبه یافت، چون دید که هیچ امتی را چنان دانش و علمی که ایرانیان دارند مسلم نیست، رشک برده آنچه را که توانست و در دسترس یافت از کتب ایشان بسوخت و سپس به کشتن موبدان و هیربدان و علما و حکما اشارت کرد و هرچه را که از علوم ایرانیان بایسته بود به زبان یونانی نقل نمود. [حمزه اسفهانی]

* زرتشت کتابی آورد و می‌گفت که از جانب خداوند یکتا به وی وحی شده و آن را در دوازده هزار پوست گاو نوشته و به زر آراسته بود و گشتاسب بفرمود که آن کتاب را در دژی به استخر نهاد و هیربدان را بر آن بگماشت... آقفور شاه (اشکانی) در مداین و بر اکثر عراق و پارس سلطنت می‌کرد. وی درفش کاویانی را در جایی که پنهان کرده بودند به دست آورد و به ملک روم تجاوز کرد تا انتقام دارا را بکشد. وی عده‌ای از قلاع رومیان را خراب کرد و آنچه را که اسکندر از کتب طب و نجوم و فلسفه برداشته بود به ایران بازگرداند. اردشیر (ساسانی) بفرمود که کتب دینی و طبی و نجومی را که اسکندر برخی از آنها را سوزانده و بسیاری از آنها را به روم برده بود فراهم آورده و از نو گردآوری کنند و بدان کار توجه بسیار کرده ملل‌های بسیار بر آن صرف کرد. [ثالبی: غرر اخبار ملوک‌الفرس]

* چون اسکندر رومی ایران را بگرفت او را حسد برخاست به علما و موبدان ایران. پس همه حکیمان را با کتاب‌های آنان جمع کرد و آنچه خواست ترجمه کرد و به یونان فرستاد نزدیک ارسطاطالیس و بقیه هرچه از کتب پارسیان بود بسوخت. [مجم‌التواریخ و القصص]

* چون زرتشت پیامد، وشتاسف (گشتاسب) او را ابتدا قبول نکرد؛ و بعد از آن، او را قبول کرد. و کتاب زند آورده بود به حکمت و بر دوازده هزار پوست گاو دباغت کرده نبشته بود به زر. وشتاسب آن را قبول کرد و به اصطخر پارس کوهی است: کوه نفشت گویند؛ که همه کنده‌گری‌ها از سنگ خارا کرده و آثار عجیب اندر آن بود و این کتاب زند و پازند آنجا نهاده بود. [ابن بلخی]

* این کتاب (اوستا) در هیجده هزار مجلد به طلا نوشته بود که مندرجات آن وعده و وعید و امرونی و دیگر آداب شریعت و عبادات بود و شاهان پیوسته به مندرجات این کتاب عمل می‌کردند تا دوران اسکندر و کشته شدن دارا پسر دارا که اسکندر قسمتی از این کتاب را بسوخت. این کتاب (اوستا) براساس شصت حرف الفبا منظم شده و در هیچ‌یک از زبان‌های دنیا بیشتر از

این حرف نیست. زردشت این کتاب را به زبانی آورد که از آوردن نظیر آن عاجز بودند و کنه معنی آن در نمی یافتند. [مسعودی: مروج الذهب]

* در کتاب زرتشت دانش های گوناگون مانند ریاضیات و احکام نجومی و پزشکی و جز اینها، از اخبار سده های گذشته و کتاب های پیامبران است. زرتشت با ستاره شناسی آشنایی بسیار داشت و در این باره، دانشمند برجسته ای به شمار می رفت. [ابن اثیر]

* زرتشت در علم و دانش پایه ی بلندی داشت به گونه ای که علم کسوفات نزد دانش او ناچیز بود. [ابوریحان بیرونی: آثار الباقیه]

* اصل منطق و حکمتی که ارستو تالیق و تهذیب کرد، هنگام غلبه ی اسکندر بر دارا و استیلا بر بلاد ایران، از خزاین ایران گرفته شده و ارستو بر این تالیف و تهذیب، توانایی نیافت مگر به وسیله ی کتاب های ایران. [قطب الدین اشکوری: محبوب القلوب]

* اسکندر پس از دستیابی به ایران، دارا، پسر دارا شاه را بکشت و شهرها و کاخ های بزرگ را منهدم ساخت و آنچه از علوم و فنون و سنگ ها و چوب ها نقش گردیده تباہ ساخت و سپس فرمان داد کتبی را که پادشاهان ایران در دیوان ها و گنج ها ضبط کرده بودند نخست به زبان یونانی و قبطی ترجمه و استنساخ کرده و سپس همه را طعمه ی آتش سازند و گویند آنچه را که از علوم و فنون و گنج ها دست یافته بود با دانشمندانی که دانای آن علوم بودند به مصر فرستاد، ولی در ناحیه چین و هند کتبی از ایرانیان که پادشاهان فارسی سابقا در عهد پیغمبرشان زردشت و جاماسب نوشته و بدان کشورها فرستاده بودند باقی بود زیرا زردشت و جاماسب ایرانیان را از واقعه ی اسکندر و تسلط خرابی های او به کشور ایران خبر داده و ایشان را از آن حادثه بزرگ آگاه ساخته بودند. چون اردشیر بابکان که از نسل ساسان بود ظهور نمود همه ی پراکندگی و فرق مختلف و ملوک الطوائف را بر انداخته و ایران را به اتحاد و یک خدایی و حکومت واحد درآورد. تن های بی جان و پیکرهای بی روح ایرانیان را نشاط و حیات بخشید. پس کتبی را که از پیش در چین و مصر باقی مانده بود و همچنین کتاب هایی را که اسکندر به یونان فرستاده بود، از آن کشور بخواست و آنچه را که از علوم ایرانی پراکنده و متفرق بود گردآوری کرد. و پس از وی پسرش شاپور، کار پدر را دنبال کرده علوم فارسی را فراهم آورد. پس از این دو پادشاه خسرو انوشیروان شرح هایی را که علمای یونانی و اسکندرانی و هندی بر کتب مزبور نوشته بودند از لحاظ اینکه علاقه و تعلق خاطری به

علم و معرفت داشت فراهم آورده و در تألیف و جمع‌آوری آنها بکوشید و به مقتضای آن علوم کار کرد. [این ندیم (از قول ابوسهل نویخت): الفهرست]

* دفترها و آثار زرتشت و مغان به زبان‌های گوناگون

- اوستا
- زند
- پازند
- ایارده
- درباره‌ی طبیعت
- رسدهای ستاره‌ای
- درباره‌ی خواص سنگ‌ها
- رساله‌ی زوستریانوس
- کتاب الموالید
- کتاب صور درجات الفلك
- کتاب التفسیر
- کتاب جاماسپ
- ادوار هزارات

* اختر-فیزیک

ای جهان را زهیچ سازنده هم نوابخش و هم نوازنده
[نظامی گنجوی]